

Sport and Psychosocial Development

Susan Rahimzadeh

Azad University
Tehran, South Branch

سوسن رحیم زاده

دانشگاه آزاد اسلامی
واحد تهران جنوب

Abstract

Because sports and physical activities provide many interaction opportunities, they can accelerate socialization, enhance coping abilities, and promote a healthy life style. The psychosocial development of 172 female and male athletes in individual and team sports and of nonathletic students was assessed in this study, using Hawley's Measure of Psychosocial Development (MPD) with 27 subscales of positive, negative, result and total. Manova results indicated: Sports effect psychosocial development ($p < 0.004$, $f = 1.866$); gender has no effect on psychosocial development; the psychosocial development of the athletes in individual and team sports were the same. According to these findings, it seems the study of participation, cooperation, reciprocity and cohesion, especially task cohesion, is necessary in order to understand more fully the effects of team and individual sports on psychosocial development.

Key words: sport psychology, socialization, athlete in individual and team sports, group dynamic, female & male students.

چکیده

ورزش و فعالیتهای بدنی به دلیل ایجاد موقعیتهای تعاملی با دیگران، تسریع اجتماعی شدن فرد را به همراه دارند و می‌توانند توان مقابله را افزایش دهند و یک سبک زندگی سالم را فراهم آورند. در پژوهش حاضر تحول روانی - اجتماعی 172 دانشجوی مؤنث و مذکر ورزشکاران انفرادی و گروهی و غیر ورزشکار بررسی شد. در این پژوهش، آزمون تحول روانی - اجتماعی هاوولی که دارای بیست و هفت مقیاس مثبت، منفی، نتیجه و کلی است به کار رفت. نتایج تحلیل واریانس چند متغیری نشان داد که: ورزش در تحول روانی - اجتماعی به طور معناداری مؤثر است ($F = 1/866$ و $P < 0/004$)، متغیر جنس در تحول روانی - اجتماعی ورزشکاران و غیر ورزشکاران تاثیر ندارد. تحول روانی - اجتماعی ورزشکاران گروهی با ورزشکاران انفرادی مشابه بود. براساس یافته‌های این پژوهش به نظر می‌رسد که بررسی میزان مشارکت، تعاون، تقابل و انسجام بویژه انسجام وظیفه، به منظور نتیجه‌گیری قطعی از تأثیر ورزشهای گروهی و انفرادی بر تحول روانی - اجتماعی ورزشکاران، ضروری است.

واژه‌های کلیدی: روانشناسی ورزش، اجتماعی شدن، ورزشکار انفرادی و گروهی، پویایی گروه، دانشجویان مؤنث و مذکر.

این پژوهش با اعتبار معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب در سال 1382 انجام شده است.

Correspondence concerning this article should be addressed to Susan Rahimzadeh, Department of Psychological Studies, Deputy of Research, Islamic Azad University, South Branch. E-mail: susan-r@azad.ac.ir

مقدمه

اجتماعی شدن می‌تواند با تقویت باورها و باوردها⁹ و گزینش بر مبنای تجربه‌ها، جهت‌های خاصی را برای آن تعیین کند. این نکته در محیط‌های ورزشی مشهود است (پاپینو، مارش و تئودوریکس، 2004) مع هذا باید گفت که وجود استعداد ورزشی، به ایجاد تمایل به شرکت در ورزشها می‌انجامد اما از یک شخص، ورزشکار نمی‌سازد چرا که محیط پرورشی وی نیز باید فرصتهای مناسب را برای شکوفایی استعدادش فراهم آورد.

ادبیات پژوهشی (اسوآهولا و هتفیلد، 1372؛ گیدنز، 1376؛ انشل، 2004) در ارزیابی اجتماعی‌شدن براساس ورزش، غالباً به تحلیل عواملی می‌پردازد که آموزش یا روشهای آماده‌سازی برای مشارکت در ورزش را عرضه می‌کنند. این پژوهشها (کلارک، 1980؛ جارویس، 1999؛ گیل، 2000) نشان می‌دهند که اغلب ورزشکاران تحت تأثیر افراد خانواده خود قرار می‌گیرند. به عبارت دیگر، اگر والدین و خواهران و برادران بزرگتر ورزش کنند فرزندان کوچکتر خانواده نیز به ورزش روی می‌آورند و با کسانی آمد و شد خواهند داشت که دارای رغبتها و باورهای مشابهی هستند. به طور مثال، دخترانی که به تمرینهای ورزشی می‌پردازند، مادران ورزشکار و پسرانی که بیشتر ورزش می‌کنند دارای پدران ورزشکار هستند (دفلاندر، لورنت، گادری و فالگرت، 2001). همچنین پژوهشگران بر نقش دوستان و همگنان¹⁰ (گلدبرگر، جرنی و چمبرلین، 1982؛ ویس و اسمیت، 1999؛ اسمیت و پردو، 2003؛ چپمن و بلوکسها، 2004)، مدرسه (اورمن و راثو، 1981؛ اراکات و تریسی، 2002)، رسانه‌های گروهی از جمله تلویزیون، نشریه‌های ادواری، مجله‌ها، روزنامه‌ها و ارتباطهای الکترونیکی (کاکس، 1998) تأکید داشته‌اند.

اما آیا هر نوع ورزشی می‌تواند بر فرایند اجتماعی شدن مؤثر باشد؟ برخی از پژوهشگران کوشش کرده‌اند تا به این

نوزادان انسانی بدون فرهنگ متولد شده و به واسطه تأثیر والدین، معلمان و دیگران به افرادی اجتماعی و فرهنگی تبدیل می‌شوند. فرایند کلی اکتساب فرهنگ را اجتماعی‌شدن¹ نامیده‌اند. در خلال این فرایند، افراد زبان فرهنگی را که در آن متولد شده‌اند می‌آموزند، ویژگیهای اجتماعی این فرهنگ را کسب می‌کنند، نسبت به دیگر افراد آن، متعهد می‌شوند و نقشهایی را که در زندگی ایفا خواهند کرد، فرا می‌گیرند.

برای مثال، دختران یاد می‌گیرند که چگونه نقش دختر، خواهر، دوست، همسر و همچنین نقشهای حرفه‌ای خود را ایفا کنند. همچنین یادگیری و پذیرش هنجارهای فرهنگی به واسطه فرایند اجتماعی‌شدن امکان پذیر می‌شود (شیلینگ، 1997). چنین تعریفی از اجتماعی‌شدن، اهمیت آن را در فرایند شکل‌گیری شخصیت آشکار می‌سازد و پیامد معنادار آن را بر سبک زندگی²، انتخابهای زندگی و ادراک خود در رابطه با یک هویت ورزشی برجسته می‌کند. چرا که با اجتماعی‌شدن در فرهنگ ورزش، این فرهنگ به خودی خود به منزله یک مؤلفه اصلی هویت ورزشکار در می‌آید (اونیل، 2002؛ وان، دیماک و گراو، 2003).

پژوهشگران مختلف (شیلینگ، 1997؛ جارویس، 1999؛ گیل، 2000؛ ماوی، 2004) معمولاً انگیزش³، مشارکت⁴، یادگیری و تأثیرات فرهنگی را در تعریف اجتماعی‌شدن می‌گنجانند. هنگامی که به اجتماعی‌شدن از دیدگاه انگیزشی نگاه می‌شود، اطلاعاتی درباره ارزش یا پیامدهای مشارکت در ورزش به دست می‌آید. ارزشهای مرتبط با اجتماعی‌شدن در برگیرنده گسترش دوستیها، ضوابط روانشناختی حرمت خود⁵، ارزش خود⁶، مقابله⁷ و مدیریت تنیدگی⁸ هستند. اگرچه بخش عمده ای از شخصیت انسانی، حاصل عوامل ژنتیک است اما فرایند

1. socialization
2. life style
3. motivation
4. participation

5. self esteem
6. self worth
7. coping

8. stress management
9. attitudes
10. peers

پرسش پاسخ دهند. اگر انواع متفاوت وظایف ورزشی را در نظر بگیریم، می‌توانیم بین آنها دو دسته کلی را متمایز کنیم:

- **رشته‌های ورزشی مستقل** که نیازمند عمل هماهنگ شده بین افراد برای عملکرد موفق نیستند (مثل تیراندازی با کمان یا با تفنگ و مسابقه‌های سه گانه: دو، شنا و دوچرخه سواری).

- **رشته‌های ورزشی تعاملی**¹ که در آن اعضا متکی به یکدیگر هستند (مثل فوتبال و والیبال).

در ورزشهای نوع اول انسجام و عملکرد تیمی نسبتاً بی‌ارتباط به نظر می‌رسند. در ورزشهای نوع دوم یا تعاملی، یک رابطه مثبت روشن بین انسجام گروهی² و عملکرد گروهی وجود دارد به طوری که **تعامل جمعی بین اعضا، فرصت موفقیت‌های گروهی را افزایش می‌دهد** (کارن، 1993). ویژگی بارز گروه، تقابل³، آگاهی متقابل، وابستگی و پیوستگی در هر موقعیتی است (کارت‌رایت و زندر، 1968؛ بوجمپ، بری، آیز و کارن، 2002). در بحث پویایی گروه⁴، شناخت نقش هر فرد در گروه و توانایی کار کردن اعضا با یکدیگر در جهت اهداف جمعی مطرح است (ویدمیر، برالی و کارن، 2002؛ انشل، 2004). اما آیا انسجام گروهی با عملکرد گروهی رابطه مستقیم و مثبت دارد؟ اگر چنین باشد با دو مشکل روبرو می‌شویم: اولاً گاهی انسجام زیاد با موفقیت همراه است اما گاهی چنین نیست. این رابطه پیچیده‌تر از آن است که در مرحله اول به نظر می‌رسد (پاترسون، کارن و لافد، 2005) فرض اصلی این است که یک رابطه علت و معلولی - انسجام به عنوان علت و موفقیت به عنوان معلول - برقرار است. با وجود این، پژوهشها نشان داده‌اند که این فرض الزاماً همیشه صحیح نیست. ثانیاً به نظر می‌رسد که رابطه بین انسجام و عملکرد گروهی به نوع وظیفه ورزشی وابسته است. برای مثال تیم قایقرانی قهرمان دنیا و قهرمان المپیک آلمان شرقی به‌رغم

تصادهای شدید داخلی و کمترین "انسجام جمعی"⁵ موفقیت‌های زیادی کسب کرد. چراکه قایقرانان از "انسجام وظیفه"⁶ بسیار بالایی برخوردار بودند (موریس و سامرز، 1995؛ گیل، 2000). بنابراین انسجام گروهی دارای دو بعد عمومی است:

- **انسجام جمعی** یا جذابیت بین فردی که منعکس‌کننده درجه شباهت اعضای گروه به یکدیگر و لذت بردن از همراهی با یکدیگر است.

- **انسجام وظیفه** که منعکس‌کننده درجه کار گروهی اعضای تیم برای دستیابی به یک وظیفه مشخص و ویژه است. وظیفه معمولاً با هدف تیم - چیزی که گروه به خاطر آن شکل گرفته است - مرتبط است. در غالب ورزشهای سازمان یافته، اتمام موفقیت آمیز وظایف، مبنای انتخاب اعضای تیم و سازماندهی آموزش و تمرین آنان است (موریس و سامرز، 1995؛ سالیوان و فلتز، 2003). به نظر می‌رسد در ورزشهای گروهی یا تعاملی رابطه مثبت و روشنی بین انسجام وظیفه و عملکرد گروهی وجود دارد و از آنجایی که هر عضو گروه برای موفقیت دو طرفه، از طریق تعامل داریم، به هم‌تیمی‌هایش وابسته است، بین انسجام جمعی و عملکرد گروهی یک ارتباط مثبت وجود دارد. کارن (1993) بر این باور است که بی‌تردید - حتی در ورزشهای انفرادی مثل گلف- انسجام و یکپارچگی بیشتر با عملکرد گروهی مؤثرتر، ارتباط دارد. (گیل، 2000؛ انشل، 2004). مع هذا، حتی وقتی بین انسجام و عملکرد گروهی یک رابطه مثبت وجود دارد، بحث بر سر اینکه انسجام گروهی علت موفقیت گروهی است یا معلول آن، روشن نیست. در واقع، به نظر می‌رسد، یک ارتباط دورانی وجود دارد: **انسجام گروه، عملکرد را با موفقیت همراه می‌سازد و با عملکردهای موفق، انسجام گروهی افزایش**

1. interactive
2. group cohesion
3. reciprocity

4. group dynamic
5. social cohesion
6. task cohesion

می‌یابد (موریس و سامرز، 1995؛ پاترسون و دیگران، 2005).

در یک جمع‌بندی می‌توان گفت که انواع فعالیت‌های ورزشی به دلیل ایجاد موقعیتهای تعاملی با دیگران تسریع اجتماعی‌شدن فرد را به همراه دارند؛ به عبارت دیگر، سطح توافق اجتماعی و مشارکت را بالا می‌برند، دوستی و همکاری متقابل را ایجاد می‌کنند و به طور کلی تعاون¹، همکاری و رفتار سازش یافته اجتماعی² را بهبود می‌بخشند (رحیم‌زاده، 1378؛ موریس و سامرز، 1995؛ کازدین، 2000). مع‌هذا به نظر می‌رسد که در کشور ما ورزش‌های گروهی از موفقیت کمتری برخوردارند، در حالی‌که ورزشکاران انفرادی ما همواره به موفقیت‌های چشمگیری در سطح بین‌المللی دست یافته‌اند. بنابراین، هدف این پژوهش در سطح نخست تعیین ابعاد تحول روانی- اجتماعی دانشجویان است تا بتوان گام‌هایی در جهت کاهش مشکلات آنان به کمک ورزش و فعالیت‌های بدنی برداشت، توان مقابله آنان را افزایش داد و یک سبک زندگی سالم برایشان فراهم کرد. در وهله دوم، با مقایسه سطح تحول روانی- اجتماعی ورزشکاران گروهی و انفرادی می‌توان علل عدم موفقیت نسبی ورزشکاران گروهی در مقایسه با ورزشکاران انفرادی را روشن کرد. با توجه به ادبیات پژوهشی می‌توان دو فرضیه و یک پرسش را مطرح کرد: (1) ورزش در تحول روانی - اجتماعی مؤثر است. (2) متغیر جنس در تحول روانی - اجتماعی ورزشکاران و غیر ورزشکاران تاثیر ندارد و آیا تحول روانی - اجتماعی ورزشکاران گروهی در مقایسه با ورزشکاران انفرادی متفاوت است؟

روش

شیوه پژوهش از نوع پس رویدادی است و کلیه دانشجویان دانشگاه امیر کبیر که در سال تحصیلی 80-81 ثبت نام کرده بودند، جامعه آماری پژوهش را تشکیل دادند. با توجه

به متغیرهای پژوهش، در طرح حاضر 6 گروه (ورزشکار انفرادی، ورزشکار گروهی و غیر ورزشکار به تفکیک جنس) مورد بررسی قرار گرفتند. تعداد نمونه دو گروه ورزشکاران مؤنث و مذکر انفرادی برابر با کل جامعه آنان بود. تعداد گروه‌های دیگر با توجه به این دو گروه به طور تصادفی در حد قابل قبول فراهم شدند (جدول 1).

جدول 1: تعداد دانشجویان ورزشکار انفرادی و گروهی و غیر ورزشکار به تفکیک جنس

مجموع	ورزشکار		
	غیر ورزشکار	گروهی	انفرادی
مؤنث	45	23	20
مذکر	44	21	19
مجموع	89	44	39

ابزار ارزشیابی سطح تحول روانی - اجتماعی دانشجویان، سنجش تحول روانی - اجتماعی³ هاولی (MPD) (1988) بود که یک پرسشنامه خودگزارش‌دهی براساس تعبیرهای اریکسنی است. این پرسشنامه شامل 7 بخش و 112 گزاره توصیفی است که آزمودنیها به یک مقیاس پنج درجه‌ای از "به هیچ وجه در مورد من صدق نمی‌کند" تا "کاملاً در مورد من صدق می‌کند" پاسخ می‌دهند. MPD دارای بیست و هفت مقیاس است:

- هشت مقیاس مثبت از P₁ تا P₈ (بازخوردهای مثبت)؛
- هشت مقیاس منفی از N₁ تا N₈ (بازخوردهای منفی)؛
- هشت مقیاس نتیجه از R₁ تا R₈ (حل تعارضها و سطوح تحول هر مرحله) و
- سه مقیاس کلی TP، TN، TR (میزان تحول روانی - اجتماعی هر فرد براساس مراحل هشتگانه اریکسنی) (جدول 2).

1. cooperation
2. social adjusted behavior

3. Measures of Psychosocial Development (MPD)

جدول 2: مقیاسهای MPD (هاولی، 1988)

مقیاسهای مثبت	مقیاسهای منفی	مقیاسهای نتیجه
P ₁ اعتماد	N ₁ عدم اعتماد	R ₁ اعتماد در مقابل عدم اعتماد
P ₂ استقلال عمل	N ₂ شرم و تردید	R ₂ استقلال عمل در مقابل شرم و تردید
P ₃ ابتکار	N ₃ احساس خطا و تقصیر	R ₃ ابتکار در مقابل احساس خطا و تقصیر
P ₄ تحقق عمل	N ₄ احساس کمتری	R ₄ تحقق عمل در مقابل احساس کمتری
P ₅ احساس هویت	N ₅ پراکندگی نقش	R ₅ احساس هویت در مقابل پراکندگی نقش
P ₆ مردم‌آمیزی	N ₆ انزواطلبی	R ₆ مردم‌آمیزی در مقابل انزواطلبی
P ₇ پدیدآورندگی	N ₇ راکد ماندگی	R ₇ پدیدآورندگی در مقابل راکد ماندگی
P ₈ توحید یافتگی من	N ₈ نومیدی	R ₈ توحید یافتگی من در مقابل نومیدی
TP کل مثبت	TN کل منفی	TR کل نتیجه

P₈ (پایینترین میزان همبستگی) تا 0/581 برای P₁ با P₅ (بالاترین میزان همبستگی) در مقیاسهای مثبت است. همچنین میزان این ضرایب از 0/309 برای N₄ با N₆ (پایینترین نمره) تا 0/64 برای N₁ با N₆ (بالاترین نمره همبستگی) در مقیاسهای منفی قرار دارد. ضرایب ارائه شده در پژوهش پاکدامن (1380) نیز جملگی بیانگر اعتبار بالای آزمون هستند.

به منظور تحلیل داده‌ها، ابتدا در سطح توصیفی، میانگین و انحراف استاندارد نمره‌ها محاسبه شد و سپس برای ارزشیابی تفاوت گروهها با توجه به اینکه شش گروه مستقل وجود دارد، طرح تحلیل واریانس چند متغیری به کار رفت.

یافته‌ها

میانگینها و انحراف استانداردهای نمره‌های حاصل از متغیرهای روانی - اجتماعی در سه گروه ورزشکار انفرادی، ورزشکار گروهی و غیر ورزشکار در جدول 3 ارائه شده‌اند.

ضرایب قابلیت اعتماد آزمون - آزمون مجدد
 (همسانی) در بررسی هاولی (1988) در مقیاسهای مثبت بین 0/75 تا 0/85 و در مقیاسهای منفی بین 0/67 تا 0/89 در نوسان است. ضرایب همسانی در بررسیهای ایرانی (پاکدامن، 1378؛ دادستان، 1381) در دامنه پایینتری قرار دارد: 0/37 تا 0/74 برای مقیاسهای مثبت و 0/39 تا 0/78 برای مقیاسهای منفی به دست آمده است. ضرایب آلفا برای ثبات درونی در پژوهش هاولی (1988) بین 0/65 تا 0/84 در مقیاسهای مثبت و بین 0/69 تا 0/83 در مقیاسهای منفی است. در پژوهشهای ایرانی ضرایب آلفا نیز دامنه پایینتری را نشان می‌دهد: 0/42 تا 0/70 در مقیاسهای مثبت و 0/23 تا 0/74 در مقیاسهای منفی (پاکدامن، 1380؛ دادستان، 1381).

ضرایب همبستگی برای بررسی اعتبار آزمون MPD در تمام موارد معنادار بودند ($P < 0/000$). دامنه این ضرایب در پژوهش دادستان (1381) از 0/222 برای P₂ با

جدول 3: میانگین و انحراف استاندارد مقیاسهای مثبت (P)، منفی (N)، حل تعارضها (R) و کلی (MPD(T) به تفکیک گروهها

متغیر	گروه	میانگین	انحراف استاندارد	متغیر	گروه	میانگین	انحراف استاندارد	متغیر	گروه	میانگین	انحراف استاندارد
	1	28/03	3/68		1	13/38	4/16		1	14/64	6/85
P ₁	2	26/41	3/98	N ₁	2	14/84	4/73	R ₁	2	11/57	7/80
	3	26/09	4/22		3	16/51	5/44		3	9/58	8/52
	1	26/05	3/46		1	17/03	3/78		1	9/03	6/19
P ₂	2	25/98	3/72	N ₂	2	17/50	4/93	R ₂	2	8/48	6/85
	3	24/29	4/20		3	19/12	5/71		3	5/17	8/73
	1	27/00	3/51		1	19/69	5/02		1	7/31	6/98
P ₃	2	27/16	3/21	N ₃	2	17/14	4/55	R ₃	2	10/02	5/65
	3	26/04	4/17		3	19/66	5/19		3	6/38	7/80
	1	26/56	3/84		1	17/54	5/02		1	9/03	7/79
P ₄	2	27/68	3/35	N ₄	2	16/59	4/79	R ₄	2	11/09	6/21
	3	25/65	4/49		3	18/72	5/35		3	6/93	8/72
	1	24/54	4/63		1	17/00	5/98		1	7/54	9/54
P ₅	2	26/07	3/52	N ₅	2	16/02	5/87	R ₅	2	10/05	8/48
	3	23/84	3/97		3	17/97	6/32		3	5/88	9/16
	1	25/10	4/03		1	19/36	4/69		1	5/74	7/75
P ₆	2	25/30	3/95	N ₆	2	19/00	4/92	R ₆	2	6/30	7/28
	3	23/33	4/27		3	20/84	4/45		3	2/48	7/48
	1	27/36	4/27		1	15/36	5/07		1	12/00	7/33
P ₇	2	26/89	4/80	N ₇	2	13/98	4/64	R ₇	2	12/91	6/74
	3	27/18	4/48		3	16/97	5/19		3	10/21	7/76
	1	24/46	5/03		1	15/90	5/06		1	8/56	8/07
P ₈	2	25/32	3/52	N ₈	2	15/75	4/61	R ₈	2	9/57	6/43
	3	23/12	4/72		3	18/03	5/48		3	5/09	8/69
	1	209/10	23/42		1	135/26	31/50		1	73/85	47/98
TP	2	210/80	18/23	TN	2	130/82	30/47	TR	2	79/98	41/68
	3	199/55	25/29		3	147/82	35/79		3	51/73	55/63

3: غیر ورزشکار (n=89)

2: ورزشکار گروهی (n=44)

1: ورزشکار انفرادی (n=39)

- نتایج گروههای ورزشکار در همه مقیاسهای جزئی و کلی حل تعارضها (R) بالاتر از گروه غیر ورزشکار است و سطح بالاتر تحول روانی - اجتماعی در تمامی بازخوردهای مثبت و حل تعارضها را در ورزشکاران نشان می‌دهد.

میانگین و انحراف استاندارد نتایج هشت مقیاس مثبت (P)، هشت مقیاس منفی (N)، هشت مقیاس حل تعارضها (R) و سه مقیاس کلی (MPD (T) در دو جنس مؤنث و مذکر محاسبه شد که هیچیک از بیست و هفت مقیاس

مقایسه توصیفی میانگینهای ارائه شده در جدول 3 بیانگر این امر است که:

- نتایج گروههای ورزشکار - چه انفرادی و چه گروهی - در تمامی مقیاسهای جزئی و کلی مثبت (P) همواره بالاتر از گروه غیر ورزشکار است (به استثنای P₇ که تفاوت محسوسی را نشان نمی‌دهد)؛

- میانگین گروه غیر ورزشکار در تمامی مقیاسهای جزئی و کلی منفی (N) بیشتر از گروههای ورزشکار است (به استثنای N₃)؛

تفاوت معناداری را بین دو جنس نشان نداد. در دو جنس مؤنث و مذکر از تحلیل واریانس دو متغیری برای بررسیهای تحلیلی نتایج حاصل از آزمون MPD در سه گروه ورزشکار انفرادی، ورزشکار گروهی و غیر ورزشکار سود برده شد که محاسبه‌های به‌دست آمده در جدول 4 جمع‌بندی شده‌اند*.

جدول 4: نتایج تحلیل واریانس دو متغیری برای مقایسه بیست و هفت مقیاس تحول روانی - اجتماعی (MPD) براساس اثرهای اصلی و تعاملی به تفکیک گروه و جنس

منبع اثر	ارزش	F	درجه آزادی	درجه آزادی خطا	معناداری
گروه	0/331	1/886	32	304	0/004
جنس	0/084	0/863	16	151	0/612
گروه × جنس	0/146	0/748	32	304	0/839

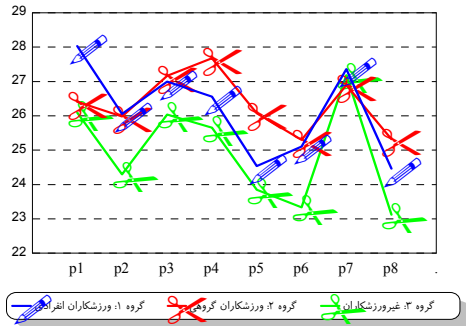
همان‌طور که نتایج جدول 4 نشان می‌دهد، F مشاهده شده در سطح اثر اصلی گروه ($F=1/886$) معنادار است (احتمال خطا برابر با $P<0/004$ است). اما اثر اصلی جنس و اثر تعاملی گروه × جنس معنادار نیستند. به منظور روشنتر شدن اثرهای اصلی گروه، نتایج آزمونهای تک متغیری F و

آزمون مقایسه‌های چندگانه شفه در بیست و هفت مقیاس MPD در جدول 5 ارائه می‌شود اما از آنجا که اثر اصلی جنس و اثر تعاملی گروه × جنس در هیچیک از بیست و هفت مقیاس MPD معنادار نبودند، جدولهای مربوط به آنها گزارش نمی‌شوند.

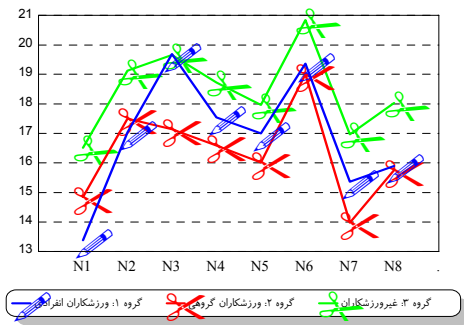
جدول 5: نتایج آزمونهای تک متغیری F برای مقایسه مقیاسهای مثبت (P)، منفی (N)، حل تعارضها (R) و کلی (T) براساس اثر اصلی گروه و آزمون مقایسه‌ای چند گانه شفه

TP	P ₈	P ₇	P ₆	P ₅	P ₄	P ₃	P ₂	P ₁	
2400/515	77/991	3/161	78/623	73/338	60/171	23/232	63/685	52/537	میانگین مجذورات
4/400	3/768	0/156	4/609	4/478	3/621	1/608	4/062	3/213	F
0/014	0/025	0/856	0/011	0/013	0/029	1/203	0/019	0/043	سطح معناداری
3 و 2	3 و 2	-	3 و 2	3 و 2	3 و 2	-	-	3 و 1	آزمون شفه ($P<0/05$)
TN	N ₈	N ₇	N ₆	N ₅	N ₄	N ₃	N ₂	N ₁	
4995/381	104/613	136/382	61/778	57/233	71/070	105//114	77/201	140/391	میانگین مجذورات
4/374	3/846	5/374	2/841	1/503	2/653	4/199	2/901	5/554	F
0/014	0/023	0/005	0/061	0/225	0/073	0/017	0/058	0/005	سطح معناداری
3 و 2	-	3 و 2	-	-	-	3 و 2	-	3 و 1	آزمون شفه ($P<0/05$)
TR	R ₈	R ₇	R ₆	R ₅	R ₄	R ₃	R ₂	R ₁	
14290/437	355/955	116/559	279/415	257/732	261/566	193/999	279/845	352/909	میانگین مجذورات
5/483	5/429	2/131	4/942	3/088	4/106	3/772	4/587	5/449	F
0/005	0/005	0/122	0/008	0/048	0/018	0/025	0/012	0/005	سطح معناداری

* به دلیل نتایج مشابه آزمونهای دو متغیری، صرفاً نتایج حاصل از آزمون بیلابیلی (Pillai's trace) گزارش شده است.



نمودار 1: میانگینهای هشت مقیاس مثبت (P) آزمون MPD به تفکیک گروهها



نمودار 2: میانگینهای هشت مقیاس منفی (N) آزمون MPD به تفکیک گروهها

مقادیر F مشاهده شده در سطح اثر اصلی گروه بیانگر آن است که :

- در مقیاس کلی مثبت، گروهها با یکدیگر متفاوتند (F= 4/400 با خطای $P < 0/014$) که این تفاوت معنادار ناشی از میانگین نتایج ورزشکاران گروهی با غیر ورزشکاران است.

- در تمامی مقیاسهای مثبت نیز ورزشکاران میانگین بالاتری را نسبت به غیر ورزشکاران نشان می دهند.

- در مقیاس کلی منفی میانگین ورزشکاران پایینتر از میانگین غیر ورزشکاران است و این تفاوت ضمن معنادار بودن ($P < 0/014$, $F = 4/374$) بین ورزشکاران گروهی و غیر ورزشکاران دیده می شود. همچنین در همه مقیاسهای منفی میانگین غیر ورزشکاران بالاتر از ورزشکاران انفرادی و گروهی است.

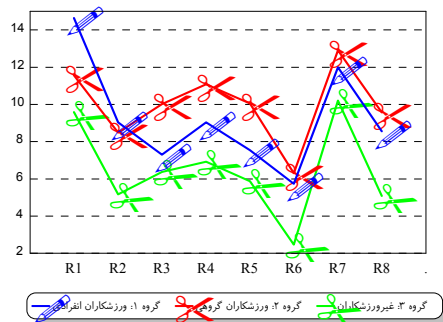
- در مقیاس کلی نتیجه یا حل تعارضها، میانگین نتایج گروههای ورزشکار انفرادی و ورزشکار گروهی بالاتر از غیر ورزشکاران است. در تمامی مقیاسهای حل تعارضها نیز همواره میانگین نتایج ورزشکاران انفرادی و گروهی بالاتر از غیر ورزشکاران است (نمودارهای 1 تا 3).

بحث و تفسیر

یافته‌های این پژوهش، بالا بودن سطح تحول روانی- اجتماعی در ورزشکاران را نشان داد بدون اینکه این تفاوت با جنس یا نوع رشته‌های ورزشی انفرادی و گروهی مرتبط باشد. به عبارت دیگر در این پژوهش هم مانند دیگر پژوهشها (رحیم زاده، 1378؛ موریس و سامرز، 1995؛ اپرایت، سن فاکون، بک و برادلی، 1997؛ کاکس، 1998؛ جارویس، 1999؛ گیل، 2000، ...) تأثیر ورزش بر تسریع فرایند اجتماعی شدن برجسته و نشان داده شد که ورزش می‌تواند اعتماد، استقلال عمل، قدرت ابتکار و اختراع، خلاقیت، تحقق عمل، احساس هویت و مردم‌آمیزی را در فرد ایجاد کند و وی را از عدم‌اعتماد، شرم و تردید، احساس خطا و تقصیر، احساس کهنتری، پراکندگی نقش، راکدماندگی، انزواطلبی و نومیدی برهاند و توحید یافتگی "من" را در پی داشته باشد.

پژوهشهایی که با پرسشنامه تحول روانی - اجتماعی هاوولی انجام شده‌اند از یکسو حاکی از بالاتر بودن میانگین نمره های مقیاس کلی مثبت (TP) و مقیاس کلی حل تعارضها (TR) در پسران دوره راهنمایی نسبت به دختران این سن هستند (دادستان، 1381)؛ و از سوی دیگر - به استثنای نمره های بیشتر دختران در R6 (مردم‌آمیزی در مقابل انزواطلبی) و R7 (پدیدآوردگی در مقابل راکدماندگی) - تفاوتی را به لحاظ جنس در بیست و پنج مقیاس مثبت، منفی، حل تعارضها و کلی در دانش‌آموزان دبیرستانی نشان نمی‌دهند (پاکدامن، 1380). در پژوهش حاضر در هیچیک از بیست و هفت مقیاس، تفاوت محسوسی بین دختران و پسران دانشجو وجود ندارد. بنابراین به نظر می‌رسد که تفاوت‌های بین دو جنس، پس از افزایش سن از بین می‌روند، همان‌گونه که دیگر پژوهشها (رحیم زاده، 1378؛ موسوی، 1380؛ سالیوان، 2004)، بویژه در قلمرو روانشناسی ورزش، غالباً بیانگر عدم تفاوت دو جنس هستند.

در مورد تفاوت دو گروه ورزشکاران انفرادی و گروهی، در هیچیک از بیست و هفت مقیاس تفاوتی دیده نشد. نتایج



نمودار 3: میانگینهای هشت مقیاس حل تعارضها (R) آزمون MPD به تفکیک گروهها

بنابراین در پاسخ به دو فرضیه و یک پرسش پژوهش می‌توان گفت همان گونه که ادبیات پژوهش بیانگر تسریع تحول روانی - اجتماعی ورزشکاران در مقایسه با غیر ورزشکاران است، نتایج این پژوهش نیز نشان می‌دهد که تمامی میانگین نمره های ورزشکاران - چه انفرادی و چه گروهی- در هشت مقیاس مثبت بالاتر، در هشت مقیاس منفی پایینتر و در هشت مقیاس حل تعارضها بالاتر از غیر ورزشکاران است و این تفاوت کاملاً معنادار است (جدولهای 4 و 5). در صورتی که میانگین نمره های دو جنس مذکر و مؤنث در هیچیک از مقیاسهای مثبت، منفی، حل تعارضها و کلی تفاوت محسوسی را نشان نمی‌دهد. نتایج تحلیلی جدول 4 نیز تفاوتی را از زاویه اثر اصلی جنس و اثر تعاملی گروه \times جنس را منعکس نمی‌سازد. همچنین با وجود تفاوت معنادار حاصل از نتایج گروهها، با نگاهی به جدول 5 می‌توان دریافت که معناداری تفاوتها بین گروههای ورزشکار انفرادی و ورزشکار گروهی با غیر ورزشکار (گروههای 1 و 2 با گروه 3) مشاهده می‌شود. آزمون شفه تفاوت معناداری را بین گروه 1 (ورزشکاران انفرادی) با گروه 2 (ورزشکاران گروهی) در هیچیک از بیست و هفت مقیاس تحول روانی - اجتماعی نشان نمی‌دهد.

اکثر پژوهش‌های انجام شده در ایران (معتدی، 1373؛ میرنصوری، 1373؛ هاشمی، 1374؛ اهری هاشمی، 1375) نیز حاکی از عدم تفاوت دو گروه است.

شاید بتوان این نتیجه را به **فقدان واقعی تعامل گروهی - مشارکت، تعاون، تقابل و انسجام بویژه انسجام وظیفه - در ورزشکاران گروهی ما نسبت داد.** می‌دانیم برای به حداکثر رساندن عملکرد گروه، باید محیطی خلق شود که در آن اعضای گروه مسایل گروه را بفهمند، بپذیرند و احساس کنند تا نیازهای فردی را به خاطر مصالح گروه در درجه دوم اهمیت قرار دهند. تردیدی نیست که پویایی گروهی - اگرچه به گونه‌ای غیر مستقیم - تأثیر معناداری بر عملکرد گروه دارد؛ اما انسجام گروهی احتمال موفقیت گروه را افزایش می‌دهد (ویدمیر، برالی و کارن، 2002؛ انشل، 2004). بیشتر دانش ما از گروه‌های موفق از تحلیل شیوه کار آنها به دست آمده است. ظاهراً بسیاری از مؤسسه‌های موفق به ارزش‌سازی کارمندانشان می‌پردازند و توجه خود را بخصوص برخواسته‌ها، آرمانها و نیازهای آنها متمرکز می‌کنند. در حالی که برخی از گروهها ترجیح می‌دهند به جای متمرکز شدن بر کارمندان خود، آنها را در حاشیه قرار دهند و از این راه، مشکلات فراوانی را ایجاد می‌کنند. گروه‌های موفق عموماً براساس این فلسفه شکل گرفته‌اند که پیشرفت، درگیریا و اختیارهای اعضای گروه و مسؤولیت پاسخگویی هر فرد در قبال اعمالش در درون گروه از مهمترین عوامل تشکیل‌دهنده گروه هستند؛ ارتباطها به عنوان اساس موفقیت گروه در نظر گرفته می‌شوند؛ بحثهای باز و منظم، آمادگی برای دست و پنجه نرم کردن با موضوعهای سخت و ارتباط کلامی آزاد بین مربی و بازیکنان، تماماً عواملی هستند که اجازه می‌دهند تا یک جو اطمینان بخش و پر از صداقت در گروه پای گیرد و گسترش یابد (موریس و سامرز، 1995؛ ترمن، 2003؛ بوچمپ، بری، آیز و کارن، 2005).

تحلیلهای مناسب از خصیصه‌ها و شیوه کار گروه‌های موفق و بررسی تجربی تأثیر سبک‌های متفاوت تعامل گروهی، تنها راه درک روانشناسی ورزشهای گروهی است.

از زاویه مشارکتها، پژوهشگران کوشش کرده‌اند تا ارتباط بین تحول طبیعی آمادگی و مشارکت ورزشی، جنبه‌های بالقوه مثبت و منفی مشارکت ورزشکارانه، اثرات مشارکت ورزشی و اهمیت انگیزش در ورزش را آشکار کنند (استریر، تافلر و لپچیک، 1998؛ پاپینو، مارش و تئودوریکس، 2004). در پژوهش کلت، کرک بای، بارالی، بلومشتین، چدها، لیو و کر (1999) به بررسی انگیزه‌ها و دلایل بین فرهنگی مشارکت در ورزش پرداختند. در تحلیل مؤلفه‌های اصلی پرسشنامه 7 عامل را که در کلیه آنها نتایج کاملاً معنادار بود، مشخص کردند و بسیاری از تفاوت‌های مشاهده شده در انگیزه‌های مشارکت را به عوامل فرهنگی نسبت دادند.

در زمینه تحول مهارتهای تعاون و انسجام گروهی، پژوهشها نشان می‌دهند که میزان انسجام و هماهنگی تا سن 13 سالگی افزایش می‌یابد و پس از آن با روند کاهشی روبرو هستیم. بنابراین، آموزش مهارتهای ورزشی بویژه یادگیری مهارتهای بنیادی مشارکت و تعاون باید قبل از 13 سالگی آغاز شود (سالمینن و لوتانن، 1994). با توجه به این امر، امروزه برنامه‌های ورزشی از سنین کودکی و از مهدهای کودک آغاز می‌شوند تا با تأثیر بر ویژگیهای شناختی، انگیزشی و منزلت اجتماعی، تواناییهای حرکتی، مهارتها، تواناییهای کنشی و ویژگیهای ریخت‌شناختی، جنبه‌های متنوع تحول روانی - اجتماعی کودک را برانگیزند. (سیندیک، 2001؛ ویسمن، 2004).

در خلال سالهای کودکی و نوجوانی که غالباً با تغییر و تحولاتی گسترده‌ای در روابط انسانی و اجتماعی همراه است، جهت‌گیریهای اساسی حاکم بر رفتار و سبک زندگی آینده شکل می‌گیرند. بنابراین، مهارت اجتماعی و برخورداری از سلامت دو هدف آموزشی مهم محسوب می‌شوند. در اینجا فعالیت جسمانی نقشی حائز اهمیت ایفا می‌کند (ویگر، 2001). چه ورزش نه تنها فرصتهای بیشماری را برای آموزش مهارتهای جسمانی و راهبردهای بازی در اختیار فرد قرار می‌دهد بلکه مهارتهای روانی و اجتماعی و راهبردهای حل مسأله را ارتقا می‌بخشد (لیبمن،

1998). نقش ورزش و فعالیتهای بدنی در کاهش رفتارهای سازش نایافته در کودکان و نوجوانان ناتوان و کسب تناسب بدنی بیشتر، حرمت خود بالاتر و قابلیتهای اجتماعی محرز است (دیکنس، رزنر، باتر باف، 1998؛ پدرسن و سیدمن، 2004) و همواره به عنوان یک ابزار مؤثر در قلمرو پیشگیری و درمان اختلالها در نظر گرفته شده است (اپرایت و همکاران، 1997).

حال با توجه به کاهش فعالیت بدنی در نوجوانان و جوانان و افزایش چاقی، اعتیاد به مواد مخدر و خشونت از یکسو، و در نظر گرفتن مشکلات و تنیدگیهای دانشجویان در بدو ورود به دانشگاه از سوی دیگر، لزوم گسترش ورزش و فعالیتهای بدنی و پژوهشهای مرتبط با آن به وضوح درک می‌شود. به منظور ارتقای سطح بهداشت روانی نوجوانان به ویژه دانشجویان می‌بایست گامهای مثبت و مؤثری در جهت کاهش تنیدگیها، تنشها و به طور کلی حل تعارضهای آنان و افزایش مردم آمیزی، احساس هویت و شکل‌گیری یک شخصیت توحید یافته برداشته شود. ارائه راهبردهایی در جهت گسترش فعالیتهای بدنی فردی شده مرتبط با سلامت در کودکان، نوجوانان و جوانان و همچنین ارائه چهارچوبی اجتماعی برای تصمیم‌گیریهای معطوف به سلامت در آنها مستلزم آن است که پژوهشگران به تحلیل موشکافانه‌ای از محیطهای اجتماعی و نیازهای فردی با در نظر گرفتن تفاوت‌های فرهنگی بپردازند (ویگر، 2001). اگر چه سودمندی بالقوه حمایت اجتماعی در ورزش به ویژه ورزشهای گروهی بر همگان روشن است (ففر، ورت و آفرمن، 2004) اما شواهد تجربی مرتبط با این سودمندی بسیار اندک است. با این حال، پیوند بین حمایت اجتماعی با انسجام گروهی، مقابله با تنش حاصل از موقعیت رقابت جوانه، افت عملکرد، از پادآمدن، آسیب پذیری ناشی از جراحت و سبکهای رهبری بر کسی پوشیده نیست (ریس و هاردی، 2000).

در پژوهش حاضر نیز همانند دیگر پژوهشها با کاستیهایی روبرو بودیم که تعمیم نتایج را با موانعی مواجه می‌سازند. به علت کمبود فضاهای ورزشی دانشگاهها،

تشکیل گروههای ورزشی به کندی و فقط در تعداد محدودی ارزشته‌ها صورت می‌گیرد، بنابراین دسترسی به رشته‌های مختلف ورزشی برای دانشجویان به ویژه دختران ورزشکار امکان‌پذیر نیست؛ در حالی که استفاده از ورزش و فعالیتهای بدنی و همگانی کردن آن در دانشگاهها یکی از مؤثرترین روشهای پیشگیری از بروز اختلالها و فراهم کردن یک سبک زندگی سالم برای دانشجویان است.

نمونه این پژوهش فقط دانشجویان دانشگاه امیرکبیر را در برمی‌گیرد. بنابراین، امکان تعمیم نتایج در فراسوی جامعه مورد نظر، باید با احتیاط صورت گیرد تا اینکه با اجرای آزمون در دیگر دانشگاهها و دیگر مراکز تربیت بدنی بویژه در مورد همه ورزشکاران رشته‌های مختلف انفرادی و گروهی بتوان یافته‌های پژوهشی را گسترش داد و با مقایسه‌های گسترده در زمینه تواناییها و ویژگیهای ورزشکاران انفرادی با ورزشکاران گروهی و رابطه آنها با انسجام و عملکرد گروهی، بسیاری از تفاوتها در ورزشهای انفرادی و گروهی را روشن کرد. افزون بر این، یافته‌های این پژوهش، محدود به آزمون تحول روانی - اجتماعی MPD است که یک پرسشنامه خودگزارش‌دهی است که فقط برداشت فاعلی آزمودنیها را منعکس می‌سازد؛ بنابراین استفاده از دیگر ابزارها می‌تواند بسیار مفید باشد.

منابع

اسوآهولا، س. بی. و هتفیلد، ب (1372). روانشناسی ورزش با رویکرد روانی، اجتماعی. ترجمه ر. فلاحی و م. حاجیلو. معاونت امور فرهنگی و ورزشی سازمان تربیت بدنی، دفتر تحقیقات و آموزش (تاریخ انتشار به زبان اصلی، 1982).

اهری هاشمی، ج. (1375). تعیین و مقایسه ویژگیهای شخصیتی دانشجویان ورزشکار و غیر ورزشکار مرکز تربیت معلم پسرانه شهید بهشتی مشهد. پایان نامه چاب نشده کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی.

پاکدامن، ش. (1380). بررسی ارتباط بین دلبستگی و جامعه‌طلبی در نوجوانی. پایان نامه چاب نشده دکتری روانشناسی، دانشگاه تهران، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی.

دادستان، پ. (1381). بررسی تحولی توان ذهنی، اخلاقی و اجتماعی دانش آموزان دوره راهنمایی به منظور تعیین استانداردهای

- Chapman, A., & Bloxham, S. (2004). Improving student achievement in a multidisciplinary context. *Learning and Teaching in the Social Sciences*, 1(3), 181-188.
- Clarck, W. (1980). Socialization into the role of college and junior hockey player. In P. Klavora & K.A.W. Wipper, *Psychological and sociological in sport*. Toronto: Publications Division. University of Toronto.
- Cox, R. H. (1998). *Sport psychology, concepts and applications*. Fourth Edition. McGraw Hill Compaines, Inc.
- Deflander, A., Lorant, J., Gavarry, O., & Falgairrette, G. (2001). Determinants of physical activity and physical and sport activities in French school children. *Perceptual & Motor Skills*, 92(2), 399-414.
- Dykens, E.M., Rosner, B.A., & Butterbaugh, G. (1998). Exercise and sports in children and adolescents with developmental disabilities; Positive physical and Psychosocial effects. *Child and Adolescent Psychiatric Clinics of North America*, 7(4), 757-771.
- Eppright, TD., Sanfacon, J.A., Beck, N.C., & Bradley, J. Sh. (1997). Sport psychiatry in childhood and adolescence: An overview. *Child Psychiatry and Human Development*, 28 (2), 71-89.
- Erkut, S., & Tracy, A. J. (2002). Predicting adolescent self-esteem from participation in school sports among Latino subgroups. *Hispanic Journal of Behavioral Sciences*, 24(4), 409-429.
- Gill, D.L. (2000). *Psychological dynamics of sport and exercise*. Second Edition. Human Kinetics.
- Goldberger, M., Gerney, P., & Chamberlain, J. (1982). The effects of three styles of teaching on the psychomotor Performance and Social Skill. Development of fifth grade children. *Research Quarterly for Eercise and Sport*, 53, (2), 116-124.
- Hawley, G.A. (1988). MPD. *Measures of Psychosocial Development: Professional Manual*. Par Psychological Assessment Resources, Inc.
- Jarvis, M. (1999). *Sport psychology*. London and New York: Routledge.
- Kazdin, A.E. (2000). *Encyclopedia of psychology*. Volume 7. American Psychological Association & Oxford Uni
- آموزشی. طرح پژوهش ملی، وزارت آموزش و پرورش، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی (چاپ نشده).
- رحیم زاده، س. (1378). بررسی تأثیر ورزش بر سلامت روانی و جسمانی در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی. معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، دفتر مطالعات و تحقیقات روانشناسی و علوم تربیتی (چاپ نشده).
- گیدنز، آ. (1376). جامعه شناس. ترجمه م. صبوری. چاپ سوم، نشرنی (تاریخ انتشار اثر به زبان اصلی، 1989).
- معمودی، ب. (1373). بررسی و مقایسه عزت نفس دانش‌آموزان دختر و پسر ورزشکار و غیر ورزشکار دبیرستانهای قوچان. پایان نامه چاپ نشده کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی.
- موسوی، ز. (1380). توصیف و مقایسه سطح اضطراب دانشجویان دختر و پسر ورزشکار و غیر ورزشکار و تعیین ارتباط آن با نگرش دانشجویان نسبت به ورزش. پایان‌نامه چاپ نشده کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.
- میر نصوری، ر. (1373). بررسی صفات شخصیتی ورزشکاران مرد رشته‌های انفرادی و گروهی و مقایسه آنها با یکدیگر. پایان نامه چاپ نشده کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده تربیت بدنی.
- هاشمی، ق. (1374). مقایسه نیمرخ روانی ورزشکاران گروهی و انفرادی با تأکید بر افسردگی و جامعه ستیزی. پایان نامه چاپ نشده کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی.
- Anshel, M.H. (2004). The Psychology of team sports. *Sport Psychologist*, 18(1), 114-115.
- Beauchamp, M.R., Bray, S.R., Eys, M.A., & Carron, A.V. (2002). Role ambiguity, role efficacy, and role Performance: Multidimensional and mediational relationships within interdependent sport teams. *Grope Dynamics: Theory, Research, and Practice*, 6 (3), 229-242.
- Beauchamp, M.R., Bray, S.R., Eys, M.A., & Carron, A.V. (2005). Leadership behaviors and multidimensional role ambiguity perceptions in team sports. *Small Group Research*, 36 (1), 5-20.
- Carron, A.V. (1993). The sport team as an effective group. In. j. williams (ed), *Applied sport psychology: Personal growth peak performance (2nd ed)*. Mountain view, Ca: Mayfield.
- Cartwright, D., & Zander, A. (1968). *Group dynamics: Research and theory*. New york: Harper & Row.

- Rees, T., & Hardy, L. (2000). An investigation of the social support experiences of high level sports performers. *The Sport Psychologist*, 14, 327-347.
- Salminen, S., & Luhtanen, P. (1994). Development of cooperation skills of junior ice hockey players: a five years follow-up study. *Studia Psychologica*, 36(3), 189-195.
- Schilling, M.L. (1997). *Socialization, retirement, and Sport*. Retrieved May 27, 2005, from [Http:// edweb6.educ.msu.edu/kin866/ressch-illingl.htm](http://edweb6.educ.msu.edu/kin866/ressch-illingl.htm).
- Sindik, J. (2001). Fragmentary overview of desirable potential implications of participation of pre-school children in playgroups with sport programmes. *Kinesiology*, 33(2), 216-225.
- Smith, A.L., & Purdue, U. (2003). Peer relationships in physical activity contexts: a roadless traveled in youth sport and exercise psychology research. *Psychology of Sport and Exercise*, 4(1), 25-39.
- Stryer, B.K., Tofler, I.R., & Lapchick, R. (1998). A developmental overview of child and youth sports in society. *Child & Adolescent Psychiatry Clinics of North America*, 7(4), 697-724.
- Sullivan, P. (2004). Communication differences between male and female team sport athletes. *Communication Reports*, 17 (2), 121-129.
- Sullivan, P., & Feltz, D.H. (2003). The preliminary development of the Scale for effective communication in team sports. *Journal of Applied Social Psychology*, 33(8), 1693-1715.
- Turman, P.D. (2003). Coaches and cohesion: The impact of coaching techniques on team cohesion in the small group sport setting. *Journal of Sport Behavior*, 26(1), 86-103.
- Wann, D.L., Dimmock, J.A., & Grove, J.R. (2003). Generalizing the team identification-psychological health model to a different sport and culture: The case of Australian rules football. *Group Dynamics: Theory, Research, and Practice*, 7(4), 289-296.
- Weiss, M.R., & Smith, A.L. (1999). Quality of youth sport friendships: Measurement development and validation. University Press, Inc.
- Kolt, G.S., Kirkby, R.J., Bar-Eli, M., Blumenstein, B., Chadha, N.K., Liu, J., & Kerr, G. (1999). A cross-cultural investigation of reasons for participation in gymnastics. *International Journal of Sport Psychology*, 30(3), 381-398.
- Libman, S. (1998). Adult participation in youth sport: a developmental perspective. *Child and Adolescent Psychiatric Clinics of North America*, 7(4), 725-744.
- Mavi, H.F. (2004). The relationship among dispositional, contextual variables, and intrinsic motivation in high school team sports. *Dissertation Abstracts International Section A: Humanities and Social Sciences*, 65(3-A), 876.
- Morris, T., & Summers, J. (1995). *Sport psychology: Theory, applications and issues*. John Wiley & Sons, Inc.
- O'Neil, D. (2002). *Socialization*. Retrieved May 27, 2005, from <http://www.google.com/Search?q=cache:XT-WNFG2iQCJ:anthro.palomar.edu/social/soc-1.htm+socialization>.
- Overman, S.J., & Rao, V.V.P. (1981). Motivation for and extent of participation in organized sports by high school senior. *Research Quarterly for Exercise and Sport*, 52, 228-237.
- Papaioannou, A., Marsh, H.W., & Theodorakis, Y. (2004). A multilevel approach to motivational climate in physical education and sport settings: An individual or a group level construct? *Journal of Sport and Exercise Psychology*, 26(1), 90-118.
- Patterson, M.M., Carron, A.V., & Loughhead, T.M. (2005). The influence of team norms on the cohesion – self-reported performance relationship: a multi – level analysis. *Psychology of Sport and Exercise*, 6, 479-493.
- Pedersen, S., & Seidman, E. (2004). Team sport achievement and self – esteem development among urban adolescent girls. *Psychology of Women Quarterly*, 28(4), 412-422.
- Pfeffer, I., Wurth, S., & Alfermann, D. (2004). Subjective perception of the coach – athlete interaction in individual and team sports. *Zeitschrift für Sportpsychologie*, 11(1), 24-32.

Widmeyer, W.N., Brawley, L.R., & Carron, A.V. (2002). Group dynamics in sport. In T.S. Horn, *Advances in sport psychology* (2nd ed), 285-308. Champaign, IL, US: Human Kinetics.

Wigger, U. (2001). Exercise and youth: Physical activity, sport involvement, and development. *European Journal of Sport Science*, 1(3), 1-8.

Journal of Sport and Exercise Psychology, 21(2), 145-166.

Weissman, M.E. (2004). Sport psychology services in Public schools: Breaking new ground through program development and support for student_athletes and coaches. *Dissertation Abstracts International: Section B: The Sciences and Engineering*, 65(6-B), 3187.